
Parliamentary Monitoring Tools on the National Media

By: Mohammad Reza Nasiri Ansari, M. A. [✉],
Emad Ghobadi Samani, M. A. * & Saeid Ahmadi Dastjerdi, M. A. **

Abstract:

According to the legal order in the Islamic Republic of Iran, the Broadcasting Organization is referred to as the national media, and in this respect, the IRIB has a special position and mechanisms are foreseen to monitor its activities. In this research, an attempt has been made to describe the dimensions of the parliament's monitoring tools on IRIB by using library resources and in the light of the practical procedure of the Islamic Parliament. In spite of the many supervisory tools of the parliament, including the commission of Article 90 of the Constitution, research and investigation, legal supervision through legislation, financial supervision of the Court of Accounts, speeches, etc., it seems that according to the nature of the aforementioned mechanisms and the special position of the national media, according to the interpretation theory Article 175 of the Constitution, the most effective supervisory mechanism of the Islamic Parliament on the national media is the presence of two representatives in the Supervisory Council of the Islamic Republic of Iran Broadcasting Organization. In this regard, the result of this council's monitoring of IRIB will be nothing but announcing the discovered cases to the Supreme Leader. And hence the proposals to amend the composition of the Supervisory Council, improve the website of the Supervisory Council with the aim of predicting the possibility of filing a complaint, strengthening the supervisory council by amending the statute of the IRIB organization and creating a mechanism to refer violations to the judiciary, as well as intensifying the punishments related to non-compliance with financial discipline, have been presented.

Keywords: *National Media, Radio, Television, Monitoring, Islamic Parliament*

✉ Public Law

Email: nasiri_mo@irib.ir

* Jurisprudence and Private Law University

** Private Law



ابزارهای نظارت پارلمانی بر رسانه ملی

محمد رضا نصیری انصاری[✉]، عماد قبادی سامانی*،
سعید احمدی دستجردی**

چکیده

بر اساس نظام حقوقی در جمهوری اسلامی ایران، از سازمان صداوسیما به عنوان رسانه ملی یاد می‌شود و از این حیث، صداوسیما از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و سازکارهایی برای نظارت بر فعالیت‌های آن پیش‌بینی شده است. در پژوهش حاضر سعی شده است با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و در پرتوی نگرشی به رویه عملی مجلس شورای اسلامی، به تشریح ابعاد ابزارهای نظارتی مجلس بر صداوسیما پرداخته شود. با وجود ابزارهای متعدد نظارت مجلس از جمله کمیسیون اصل نود قانون اساسی، تحقیق و تفحص، نظارت حقوقی از طریق قانونگذاری، نظارت مالی دیوان محاسبات، نطق و ... به نظر می‌رسد که با توجه به ماهیت سازکارهای یاد شده و نیز جایگاه ویژه رسانه ملی مطابق نظریه تفسیری اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی، مؤثرترین سازکار نظارتی مجلس شورای اسلامی بر رسانه ملی، حضور دو تن از نمایندگان در شورای نظارت بر سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران است که در این خصوص نیز نتیجه نظارت این شورا بر صداوسیما، چیزی جز اعلام موارد کشف شده به مقام معظم رهبری نخواهد بود. از این رو، پیشنهادهایی مبنی بر اصلاح ترکیب شورای نظارت، بهبود تارنمای شورای نظارت با هدف پیش‌بینی امکان طرح شکایت در آن، تقویت شورای نظارت از طریق اصلاح قانون اساسنامه سازمان صداوسیما و ایجاد سازکار ارجاع تخلفات به قوه قضائیه به همراه تشدید مجازات‌های مربوط به بی‌انضباطی مالی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: رسانه ملی، رادیو، تلویزیون، نظارت، مجلس شورای اسلامی

✉ نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Email: nasiri_mo@jrib.ir

* دانشجوی دکتری تخصصی فقه و حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
** کارشناس ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۰

DOI: 10.22085 /CR.2022.557543.2383

DOR: 20.1001.1.25382977.1401.29.111.3.8

مقدمه

در جمهوری اسلامی ایران، رادیو و تلویزیون با توجه به اهمیت ویژه و کارکرد خاص خود، در انحصار یک نهاد حاکمیتی تحت عنوان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته‌اند چنان‌که در نظریه تفسیری شورای نگهبان از اصل چهل و چهارم قانون اساسی آمده است: «مطابق نص صریح اصل چهل و چهارم قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران رادیو و تلویزیون دولتی است و تأسیس و راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی به هر نحو، مغایر این اصل می‌باشد. بدین جهت انتشار و پخش برنامه‌های صوتی و تصویری از طریق سیستم‌های فنی قابل انتشار فراگیر (همانند ماهواره، فرستنده، فیبرنوری و غیره) برای مردم در قالب امواج رادیویی و کابلی غیر از سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران خلاف اصل مذکور است.» با توجه به همین مهم نیز سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به عنوان رسانه رسمی حاکمیت از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، چنان‌که حتی یکی از فصول قانون اساسی را به خود اختصاص داده است. مشکلات پدید آمده در مدیریت رادیو و تلویزیون تا پیش از سال ۱۳۶۸ موجب شد که یکی از محورهای بازنگری در قانون اساسی مطابق فرمان امام خمینی (ره) مبنی «تمرکز در مدیریت صداوسیما به صورتی که قوای سه‌گانه در آن نظارت داشته باشند» قرار گیرد. همچنین پس از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ مقرر شد تا بر اساس اصل ۱۷۵، در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور تأمین شود. نصب و عزل رئیس سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) بر این سازمان نظارت خواهند داشت. خط‌مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند.

عنایت به نفوذ و اهمیت رادیو و تلویزیون از یک سو و نصب و عزل رئیس سازمان از جانب مقام رهبری از سوی دیگر موجب شده است که نظارت بر این نهاد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شود تا ضمن حفظ استقلال رسانه، آن را از هرگونه انحراف بازدارد و علاوه بر جلوگیری از جانبداری رسانه ملی نسبت به یک جریان فکری، جناحی خاص، موجب تقویت دموکراسی در کشور شود و از اعمال قدرت بر آن نیز جلوگیری کند. همچنین بر اساس نظریه تفسیری اصل ۱۷۵

قانون اساسی، «... در نظام جمهوری اسلامی ایران، صداوسیما زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری می‌باشد؛ بنابراین سیاستگذاری، هدایت و تدابیر لازم در همه ابعاد خصوصاً در راستای تحقق آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور در همه شئون و مراتب که در صدر اصل مذکور به آن اشاره شده است، از اختیارات اختصاصی آن مقام می‌باشد.» از این رو، سازمان صداوسیما به‌عنوان رسانه رسمی حاکمیت، از سیاستگذاری‌های هماهنگ و جامعی از سوی عالی‌ترین مقام کشور در تمام اجزای خود برخوردار است چراکه سیاستگذاری، هدایت و تدابیر لازم در همه ابعاد، مطابق نظریه تفسیری شورای نگهبان، بر عهده مقام معظم رهبری قرار دارد. باتوجه‌به چنین جایگاهی است که نظارت بر این سازمان باید بر اساس سازکار و قواعدی خاص باشد. پژوهش حاضر نیز وفق مطالب یاد شده به دنبال ارائه پاسخ به این پرسش است که «آیا مجلس شورای اسلامی از ابزارهای لازم برای نظارت بر رادیو و تلویزیون برخوردار است؟»

مجلس شورای اسلامی وفق قانون اساسی، دارای دو صلاحیت قانونگذاری و نظارت است. با عنایت به ملزومات فعالیت رسانه‌ای نظیر سرعت عمل و بی‌طرفی، آنچه در خصوص صداوسیما به‌عنوان رادیو و تلویزیون رسمی کشور به ذهن متبادر می‌شود این است که مجلس شورای اسلامی به‌عنوان مجموعه نمایندگان ملت و شاخص عملی دموکراسی در کشور از چه ابزارهایی برای نظارت بر رسانه رسمی حاکمیت برخوردار است؟ به نظر می‌رسد که نظارت بر سازمان صداوسیما به‌عنوان رادیو و تلویزیون و به‌عنوان ساختار، زیر نظر مستقیم مقام رهبری است دارای ویژگی‌های خاصی است که آن را از نظارت بر سایر دستگاه متمایز می‌کند.

ابزارهای نظارت مجلس را می‌توان به دو شاخه «ابزارهای نظارتی تقنینی» و «ابزارهای نظارتی غیر تقنینی» تقسیم کرد، سازمان صداوسیما (رئیس آن) طبق اصل یکصد و هفتاد و پنجم، هم در مقابل رهبری و هم در مقابل شورای نظارت قوای سه‌گانه دارای مسئولیت است (هاشمی، ۱۳۸۶: ۶۲۲).

پیشینه و مبانی نظری

نظارت به‌عنوان یکی از صلاحیت‌های مجلس شورای اسلامی، در تألیفات مختلفی که به موضوع قانون اساسی پرداخته‌اند، مورد توجه قرار گرفته است. سیدمحمد هاشمی در جلد دوم کتاب حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، به

تشریح ابعاد مختلف نظارت از طریق ساختارهای سیاسی کشور پرداخته است. همچنین موضوع نظارت در برخی از کتاب‌ها به صورت ویژه، مورد بررسی قرار گرفته است. عباسعلی عمید زنجانی و ابراهیم موسی‌زاده (۱۳۸۹)، کتاب نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری را به رشته تحریر در آورده‌اند و نظارت بر ساختارهای قدرت و ارتباط آن با عدالت اداری را تشریح کرده‌اند؛ همچنین محمد راسخ (۱۳۹۰) کتاب نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی را با هدف شرح ارتباط نظارت و تعادل میان قوا و ساختارهای سیاسی به نگارش در آورده است. در خصوص مقالات منتشر شده در موضوع نظارت نیز می‌توان گفت که بخش عمده مقالات به دو نظارت قضایی و اداری اختصاص یافته‌اند و تعداد معدودی از مقالات به موضوعاتی نظیر کمیسیون اصل نود قانون اساسی و یا شورای نظارت سازمان صداوسیما به عنوان مصداق رادیو و تلویزیون پرداخته‌اند. مقاله بهنیا و محمدعلی پور (۱۳۸۵) نیز با موضوع تأملی در ماهیت، حدود وظایف و اختیارات شورای نظارت بر سازمان صداوسیما در همین زمینه نگاشته شده است؛ اما در خصوص موضوع این پژوهش که بررسی ابزارهای نظارت مجلس شورای اسلامی بر رادیو و تلویزیون است، کتاب و یا مقاله‌ای به صورت جامع و تخصصی انتشار نیافته است؛ به همین دلیل، یکی از اهداف این پژوهش، رفع خلأ موجود و خلق ادبیات در این حوزه به منظور تسهیل کار پژوهشگران در آینده است.

روش‌شناسی پژوهش

مقاله پیش‌رو از سویی، با توجه به فقر پژوهش‌های مشابه در این موضوع خاص بنیادین و از سوی دیگر، با توجه به مطالبه عمومی نظارت بر رادیو و تلویزیون به ویژه در حوزه منابع و مصارف اعتبارات و بودجه صداوسیما که بخش عمده آن از محل بودجه عمومی کشور تأمین می‌شود، پژوهشی کاربردی است که می‌تواند نمایندگان ملت را در انعکاس این مطالبه عمومی یاری رساند. با عنایت به همین امر در نگارش مقاله حاضر سعی شده است با استفاده از منابع معتبر حقوقی (قوانین و مقررات) و نیز رویه‌های عملی جاری در نظام سیاسی کشور که با استفاده از روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری و طبقه‌بندی شده‌اند اطلاعات مورد نیاز، ارائه و با توصیف ابزارهایی در اختیار مجلس و نیز تحلیلی از ارتباط مجلس با صداوسیما (رادیو و تلویزیون) امکان اعمال ابزارهای یاد شده بیان شود. به این ترتیب، روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی خواهد بود.

یافته‌های پژوهش

ابزارهای نظارتی مجلس شورای اسلامی را می‌توان به «ابزارهای نظارت تقنینی» و «ابزارهای نظارت غیرتقنینی» تقسیم کرد. البته این تقسیم‌بندی باتوجه به تعدد ابزارها، صرفاً از باب تسهیل در تجزیه و تحلیل اطلاعات است چنان‌که در برخی موارد ممکن است این ابزارها دارای وجه دوگانه باشند.

۱. ابزارهای نظارت تقنینی

مجلس شورای اسلامی بر اساس اصل هفتادویکم قانون اساسی دارای صلاحیت عام در حوزه قانونگذاری در کشور است و می‌تواند در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی وضع کند؛ اما این صلاحیت مطلق نیست و مطابق اصول قانون اساسی، با محدودیت‌هایی مواجه است. ایفای وظیفه وضع قانون از سوی، مجلس نیازمند نوعی نظارت حقوقی بر حوزه اجرایی و سایر امور کشور است. هرچند بخشی از فرایند تصویب قانون توسط دولت و از طریق لایحه صورت می‌پذیرد اما بررسی و تصویب طرح‌ها و لوایح در مجلس، نیاز به اشرافی جامع بر اوضاع کشور دارد و از این رو، می‌توان گفت، در صورتی که نظارت حقوقی به درستی انجام گیرد، موجب توسعه و پیشرفت کشور می‌شود، اما اگر قانونگذاری به دور از نظارت حقوقی صورت پذیرد، نتایج معکوسی به بار خواهد آورد که بی‌نظمی، بی‌عدالتی و فساد را به همراه خواهد داشت. مجلس شورای اسلامی در سه سطح متفاوت به این نوع نظارت می‌پردازد (عمید زنجانی و موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۲۹-۱۲۸).

۱-۱. قوانین توسعه کشور

قوانین توسعه کشور (اعم از قانون احکام دائمی توسعه و قوانین توسعه پنج‌ساله) نقشه و مسیر فعالیت کشور را تعیین می‌کنند. اهمیت این دست از قوانین به حدی است که بر اساس ماده (۱۸۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، «اصلاح قانون دائمی و قانون برنامه توسعه در حین بررسی لایحه بودجه سالانه و اصلاح برنامه توسعه در زمان بررسی دیگر طرح‌ها و لوایح به دوسوم رأی نمایندگان حاضر نیاز دارد.» بر اساس قانون برنامه در موارد متعددی دولت و یا دستگاه‌های اجرایی مکلف به ارائه گزارش به مجلس شده‌اند، چنان‌که از این میان می‌توان به ارائه گزارش اندازه‌گیری کارایی و بهره‌وری دستگاه‌های اجرایی

و واحدهای عملیاتی بر اساس ماده (۵)، ارائه گزارش تحقق حکم مربوط به بند (ب) ماده (۲۲) از سوی وزیر امور اقتصادی و دارایی به مجلس در خصوص محیط کسب و کار و ارائه گزارش در خصوص اقدامات دولت در مورد کاهش قاچاق مصرح بند (ج) ماده (۴۶) اشاره کرد.

با وجود آنکه قانون آیین‌نامه داخلی مجلس برای قوانین توسعه پنج‌ساله و قانون احکام دائمی کشور ارزشی یکسان قائل شده است، باید توجه داشت که برنامه‌های پنج‌ساله محدود در دوره اعتبار خود هستند و پس از انقضای این مدت دیگر نمی‌توان اجرای آنها را مطالبه کرد.

۱-۱-۱. قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور

مطابق ماده (۳۷) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، دولت مکلف است با بهره‌گیری از ظرفیت همه دستگاه‌های مربوط به ویژه آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و جهاد دانشگاهی، مراکز فرهنگی و هنری، حوزه‌های علمیه، صداوسیما، شهرداری‌ها و مؤسسات مردم نهاد و بسیج، به منظور زنده و نمایان نگهداشتن مبانی اسلامی ناب محمدی (ص) و اندیشه دینی، سیاسی و فرهنگی و سیره عملی حضرت امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و برجسته کردن نقش ایشان به‌عنوان یک معیار اساسی در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ها و تسری آن به مجموعه ارکان نظام و نیز انتقال آن به نسل‌های آینده، اقدامات متعددی انجام دهد.

۱-۱-۲. قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور

در قانون برنامه ششم طی ماده (۹۳)، دولت مکلف به اختصاص معادل هفت‌دهم درصد بودجه عمومی به سازمان صداوسیما شده است؛ قسمت انتهایی این قانون نیز صداوسیما را مکلف به ارائه گزارشی در این خصوص به مجلس کرده است.

۱-۲. قوانین بودجه سنواتی

بودجه بر اساس قانون محاسبات عمومی کشور عبارت است از برنامه مالی دولت که برای یک سال مالی تهیه می‌شود و حاوی پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار و برآورد هزینه‌ها برای انجام عملیاتی است که منجر

به نیل به سیاست‌ها و هدف‌های مندرج در قوانین جاری کشور می‌گردد. مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی لایحه بودجه می‌تواند با رعایت اصل هفتادوپنجم قانون اساسی، ضمن پیش‌بینی منابع مورد نیاز، اقدام به تعیین برخی تکالیف برای دستگاه‌های اجرایی کند؛ اما شایان ذکر است که قوانین بودجه نیز همچون قوانین توسعه پنج‌ساله، محدود به دوره‌ای زمانی هستند که بودجه برای آن به تصویب رسیده است.

بر اساس بند (چ) ماده (۳۷) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، دستگاه‌های اجرایی مشمول ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری به هزینه‌کرد مکلفند یک درصد از اعتبارات هزینه‌ای خود را طی قرارداد با سازمان صداوسیما برای تولید برنامه با هدف فرهنگ‌سازی، آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی در اختیار این سازمان قرار دهند. مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۱ در بند (ل) تبصره (۱۹)، سازمان صداوسیما و دستگاه‌های اجرایی بند (چ) ماده (۳۷) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور را در حالی مکلف به ارائه گزارش به سازمان برنامه‌وبودجه کشور و کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی کرده است که چنین تکلیفی در قانون احکام دائمی پیش‌بینی نشده است.

۳-۱. قوانین عادی کشور

علاوه بر قوانین بالادستی و بودجه، تکلیف دستگاه‌ها به ارائه گزارش در قوانین عادی مسبوق به سابقه است و در موارد متعدد، مجلس دستگاه‌های اجرایی کشور را مکلف به ارائه گزارش کرده است. از جدیدترین این موارد می‌توان به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰/۰۸/۱۹ اشاره کرد. بر اساس صدر تبصره (۳) ماده (۷۱) قانون یاد شده «دستگاه‌های مذکور در ماده (۲۹) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (که سازمان صداوسیما نیز یکی از آنهاست)، مکلف به ارائه گزارش عملکرد شش‌ماهه به ستاد ملی جمعیت می‌باشند. ستاد ملی جمعیت موظف است گزارش شش‌ماهه خود را به مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه دهد.»

۲. سازکارهای نظارت غیر تقنینی

نظارت مجلس شورای اسلامی به‌طور کلی از طریق سازکارهای مختلفی صورت می‌گیرد. علاوه بر شورای نظارت، نظارت کمیسیون اصل نود قانون اساسی، نظارت دیوان محاسبات کشور به‌عنوان ساختارهای زیرمجموعه مجلس و تحقیق و تفحص را به‌عنوان سازکار مجلس بر سازمان صداوسیما اعمال می‌شود.

۲-۱. شورای نظارت بر سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران

پیرو صدور فرمان اصلاح قانون اساسی از سوی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۶۸/۰۲/۰۴، اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی نیز دستخوش تغییر شد و نحوه اداره سازمان صداوسیما از شورایی به ریاستی تغییر یافت و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی (هرکدام دو نفر) نظارت بر این سازمان را بر عهده گرفتند. متعاقب اصلاح قانون اساسی، مصوبه نحوه اجرای اصل ۱۷۵ این قانون در بخش نظارت نیز در تاریخ ۱۳۷۰/۰۷/۱۱ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید و بر اساس آن، برخی وظایف نظارتی از جمله، نظارت بر حسن انجام کلیه امور سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران و تذکرات لازم در مورد تخلفات و انحرافات برای اصلاح، نظارت بر حسن اجرای قوانین مربوط در سازمان صداوسیما، نظارت بر ایجاد و یا انحلال هر بخش، واحد، شعبه، دفتر یا نمایندگی، نظارت بر انعقاد قراردادها و خریدهای داخلی و خارجی، نظارت بر سایر اموری که سازمان طبق قانون بر عهده دارد و انجام می‌دهد و... بر عهده این شورا قرار گرفت.

با توجه به ماده (۲) مصوبه یاد شده، مدت عضویت اعضای شورای نظارت ۲ سال و تجدید انتخاب آنها برای دوره‌های بعدی بلاشکال است. بر همین اساس، انتخاب نمایندگان ناظر در مجامع، هیئت‌ها و شوراهای طبق ماده (۲۱۶) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی تعیین شده است و طی آن برای انتخاب ناظران کمیسیون‌های تخصصی و یا مجلس شورای اسلامی، کمیسیون ذی‌ربط موظف است حداقل به تعداد دو برابر مورد نیاز از نمایندگان داوطلب واجد شرایط را به مجلس معرفی کند تا نسبت به انتخاب تعداد مورد نیاز اقدام شود. موضوعی که در ارتباط با شورای نظارت بر سازمان صداوسیما و نحوه نظارت آن مطرح است و در سال‌های اخیر نیز محل بحث و اظهار نظر بوده، استصوابی

یا استطلاعی بودن نظارت این شورا است. به عبارت دیگر، پیشینی یا پسینی بودن نظارت شورا محل ابهام است و عده‌ای بر این عقیده‌اند که استطلاعی بودن نظارت شورا هیچ فایده عملی ندارد و شورای نظارت باید بر عملکرد اجرایی سازمان صداوسیما در تمامی مراحل نظارت مؤثر داشته باشد (بهنیا و محمدعلی‌پور، ۱۳۸۵: ۱۳۵-۱۳۴). تمامی طرح‌هایی که در دوره‌های اخیر مجلس شورای اسلامی در خصوص نحوه اداره و نظارت سازمان صداوسیما از سوی مجلس اعلام وصول گردیده نیز با همین رویکرد تدوین شده است. در مقابل، عده‌ای معتقدند که باتوجه به کارکردهای رسانه ملی و با عنایت به اهمیت سرعت و چابکی رادیو و تلویزیون در ایفای نقش ذاتی خود، دخالت نداشتن شورای نظارت در امور اجرایی و چالش‌های ناشی از آن امری ضروری است و در کل، نوع نظارت این شورا باید استطلاعی و پسینی باشد. این مهم در راهبردهای رسانه ملی مندرج در پیوست حکم انتصاب روسای پیشین سازمان صداوسیما - آقایان سرافراز و علی‌عسکری - نیز بیان شده است، همچنین به دلیل تعدد مراجع ناظر بر سازمان صداوسیما و نیز امکان تغییر رویکرد اعضای شورای نظارت باتوجه به تغییر در قوه مجریه و مقننه و تعارض دیدگاه آنان با مصالح نظام و تدابیر مقام معظم رهبری، بر ضرورت استطلاعی و بعد از پخش بودن نظارت شورا و نیز ممنوعیت دخالت آن در امور اجرایی و مدیریتی رسانه ملی تأکید شده است. از این رو، باتوجه به مفاد نظریه تفسیری شورای نگهبان نسبت به اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی مبنی بر اینکه سیاستگذاری، هدایت و تدابیر در تمامی ابعاد از اختیارات اختصاصی مقام معظم رهبری است، دستور معظم‌له در خصوص نحوه نظارت شورای نظارت را باید نوعی سیاستگذاری تلقی کرد و قائل به استطلاعی بودن نظارت این شورا شد.

فارغ از استصوابی یا استطلاعی بودن نظارت شورای نظارت، باتوجه به نص قانون اساسی، مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام و ترکیب، سازکار نظارت و صلاحیت‌های این شورا می‌توان آن را به‌عنوان اصلی‌ترین سازکار نظارتی مجلس بر صداوسیما دانست.

یکی از موارد ورود شورای نظارت بر سازمان صداوسیما در پی طرح شکایت از سوی نماینده رئیس‌جمهور دولت دوازدهم در شورای نظارت، جناب آقای حسام‌الدین آشنا مطرح شده بود، بر اساس مکاتبه شماره ۹۲۱۹۵ مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۱ ایشان، چهار مورد را با عناوین: متهم ساختن دولت به آماده

نکردن ورزشگاه‌ها برای حضور زنان، تمسخر وزیر ارتباطات به دلیل ورود به هر موضوع با اهداف انتخاباتی، مقصر دانستن دولت در خودسوزی دختر آبی به دلیل عدم آماده نشدن ورزشگاه‌ها از سوی دولت و حضور نماینده قوه مقننه و قضاییه و غیبت نماینده‌ای از قوه مجریه در برنامه‌های صداوسیما، محور شکایت قرار داده و رسیدگی به آنها را به دلیل استتکاف صداوسیما در خصوص پاسخ به موارد یاد شده را از رئیس وقت شورای نظارت خواستار شده بودند. در نتیجه ویدیویی حدود یازده دقیقه‌ای در تاریخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۱ از شبکه سه سیما به پخش رسید.

۱-۲. کمیسیون اصل نود قانون اساسی

کمیسیون اصل نود قانون اساسی، به‌عنوان واحد داخلی مجلس، اجراکننده وظیفه‌ای است که اصل نود قانون اساسی بر عهده مجلس گذاشته است. این کمیسیون که یکی از سازکارهای نظارتی قوی در مجلس شورای اسلامی محسوب می‌شود، مشروعیت خود را از بالاترین سند قانونی کشور یعنی قانون اساسی، دریافت می‌کند (موسی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۶۵). کمیسیون یاد شده یکی از کمیسیون‌های خاص مجلس است.

مطابق نص اصل نود قانون اساسی «هرکس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند...». از این‌رو، صلاحیت کمیسیون اصل نود، رسیدگی به شکایات ناشی از هر نوع فعل یا ترک فعل ناشی از فعالیت آن بخشی از حاکمیت است که صرفاً در چارچوب مجلس شورای اسلامی، قوه مجریه و قوه قضاییه می‌گنجد و سایر دستگاه‌ها و بخش‌ها را شامل نمی‌شود. این موضوع علاوه بر اصل یاد شده در ماده (۵) قانون نحوه اجرای اصل نود قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵/۰۸/۲۵ نیز تصریح شده است.

با وجود اینکه در اصل نود قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز قانون نحوه اجرای اصل یاد شده، حدود صلاحیت‌های کمیسیون به‌طور شفاف بیان شده است، این کمیسیون در عمل، به فعالیت در حوزه‌های گسترده‌تری از صلاحیت خود می‌پردازد. برای مثال می‌توان به شکواییه واصله درباره نمایش برخی از فیلم‌های بدون پروانه نمایش در دو سامانه ویدیویی درخواستی (فیلمو و

نموا) اشاره کرد که در این موارد دستگاه‌های مخاطبی که خارج از حدود اصل نود هستند و یا ورود به آنها مستلزم طی فرایندهای خاصی است، می‌توانند ضمن تذکر حدود صلاحیت‌های کمیسیون یاد شده، از هرگونه اقدام آن نهاد جلوگیری به عمل آورند و یا به‌منظور توسعه شفافیت در جامعه، به‌صورت داوطلبانه اقدام به ارائه اطلاعات کنند.

در نهایت باید به این نکته اشاره کرد که اقدامات صورت گرفته از سوی کمیسیون اصل نود قانون اساسی، باتوجه‌به اینکه در موارد فردی، به ارائه پاسخ کافی و در موارد عمومی، به اطلاع عامه ختم می‌شود، بیشتر جنبه سیاسی و معنوی دارد و اثر روانی بر جامعه و اثر ارشادی بر دستگاه‌ها را در پی خواهد داشت (هاشمی، ۱۳۸۶: ۱۶۵).

۲-۲. دیوان محاسبات کشور

اعمال نظارت مالی بر اقدامات دستگاه‌ها، از طریق مجلس و دیوان محاسبات کشور صورت می‌پذیرد. در مرحله نظارت بر اجراء، نیاز به دقت و ورود به جزئیات ارقام، به‌مراتب بیشتر از مرحله تصویب است. این نظارت باید بر مبنای اصول و ضوابط معینی صورت پذیرد (هاشمی، ۱۳۸۶، ۲۰۵). دیوان محاسبات کشور به‌طور مستقیم زیر نظر مجلس شورای اسلامی فعالیت می‌کند و به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء بودجه کل کشور بهره‌مند می‌شوند، رسیدگی یا حسابرسی می‌کند تا هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب در قانون بودجه تجاوز نکند و هر وجهی در محل خود هزینه شود. بر این اساس، دو وظیفه مهم بر عهده دیوان محاسبات کشور قرار گرفته که شامل حسابرسی از دستگاه‌های اجرایی و تنظیم و انتشار گزارش تفریغ بودجه است و هر دو این موارد بر سازمان صداوسیما قابل اعمال هستند.

۲-۳-۱. حسابرسی از دستگاه‌های اجرایی

حسابرسی از دستگاه‌های اجرایی، همان کار ویژه دیوان محاسبات کشور است که بر نحوه هزینه‌کرد بودجه نظارت می‌کند. بر اساس هیئت هفتم حسابرسی در سال ۱۳۹۳، سازمان صداوسیما برخلاف قوانین و مقررات کشور از جمله ماده (۷۴) قانون مدیریت خدمات کشوری، اقدام به افزایش حقوق و

دستمزد کارکنان و بازنشستگان خود کرد؛ این اقدام تحمیل هزینه‌ای حدود سیصد میلیارد تومان را در پی داشت که در بودجه پیش‌بینی نشده بود و مستند به حکم شورای حقوق و دستمزد نیز نگردیده بود. پس از برگزاری جلسات متعدد در تاریخ ۱۳۹۵/۰۲/۰۵ رأی دیوان محاسبات کشور علیه مدیران وقت و شاغل سازمان صداوسیما با شماره ۶۶/۲۹ صادر شد و بر اساس آن مسئولان شاغل در سازمان، ملزم به اصلاح احکام کارکنان و همچنین استرداد مبالغ مازاد به ذی‌نفعان شدند.

۲-۳-۲. گزارش تفریغ بودجه

سازمان صداوسیما نیز همچون سایر دستگاه‌ها مشمول نظارت مالی، تحت نظر بازوی نظارتی مجلس در حوزه بودجه و امور مالی، یعنی دیوان محاسبات کشور است. این نهاد علاوه بر نظارت مستمر بر نحوه هزینه‌کرد اعتبارات در رسانه ملی، در گزارش‌های تفریغ بودجه نیز در صورت بروز تخلف اقدام به اعلام آن می‌کند. از این میان می‌توان به گزارش تفریغ بودجه سال ۱۳۹۹ اشاره کرد که بر اساس آن «مطابق بند (ک) تبصره (۹)، وزارت ورزش و جوانان و سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران مکلف بوده‌اند درآمدهای تبلیغاتی ناشی از پخش مسابقات ورزشی را به ردیف درآمدی مربوط نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کنند؛ در سال ۱۳۹۹ از این محل، مبلغی به حساب خزانه واریز نشده است».

۲-۳-۲. تحقیق و تفحص

یکی دیگر از شئون نظارتی مجلس شورای اسلامی موضوع «تحقیق و تفحص» است که به‌منظور نظارت و کسب اطلاع مجلس نسبت به عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشور در اصل هفتادوششم قانون اساسی پیش‌بینی شده است. این حق از ماهیت قانونگذاری مجلس ناشی می‌شود و به این لحاظ شباهت به نظارت حقوقی دارد؛ اما مراحل تحقیق و تفحص نشان می‌دهد که این سازکار قوه مقننه موجب می‌گردد تا مجلس از اوضاع کشور مطلع شود و به نارسایی‌ها و کاستی‌ها توجه کند (عمید زنجانی و موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۹۵). بر اساس اصل هفتادوششم قانون اساسی، «مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.» این اصل در ابتدا در قالب اصل

شصت و هفتم پیش‌نویس قانون اساسی، به این نحو تدوین شده بود: «مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در هر یک از امور کشور را دارد.» این موضوع در سی و دومین جلسه مجلس خبرگان قانون اساسی در قالب اصل هفتاد و ششم مطرح شد و با رأی مثبت ۶۵ نفر از حاضران و تنها ۱ رأی ممتنع به تصویب رسید.

مجمع طی مصوبه مورخ ۱۳۷۸/۰۱/۲۰، با افزایش استثنایهای مذکور در نظریه تفسیری شورای نگهبان، تحقیق و تفحص از برخی امور، از جمله دستگاه‌هایی را که زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری هستند و نیز شورای نگهبان و مجلس خبرگان رهبری مستثنا دانست؛ هر چند به عقیده برخی از حقوقدانان، استثنایات پیش‌بینی شده بر حق تحقیق و تفحص مجلس، با صراحت و اطلاق و عموم مذکور در اصل هفتاد و ششم قانون اساسی منطبق نیست و عبارت «تمام امور کشور» همه نهادها و مقامات عمومی کشور را در بر می‌گیرد (راسخ، ۱۳۹۰: ۸۱). نکته قابل توجه در خصوص مصوبه مجمع این است که به نظر می‌رسد استثنای مذکور در خصوص دستگاه‌های زیر نظر مستقیم معظم‌له، مطلق نیست و مطابق رویه عملی، در صورت اذن ایشان، امکان تحقیق و تفحص از این قبیل دستگاه‌ها فراهم است.

در حال حاضر نیز با توجه به اصلاحات صورت گرفته در قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، این امکان برای دستگاه‌های مورد نظر پیش‌بینی شده است به نحوی که در قسمت اخیر تبصره (۷) ماده (۲۱۲) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی آمده است: «در مورد دستگاه‌هایی که زیر نظر مقام معظم رهبری هستند با اذن معظم‌له امکان تحقیق و تفحص توسط مجلس وجود دارد.»

از آنجا که بر اساس نظریه تفسیری شورای نگهبان نسبت به اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی، سازمان صداوسیما زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری قرار دارد، باید قائل به امکان تحقیق و تفحص نسبت به آن در صورت اذن رهبری بود. این مهم مسبوق به سابقه است چنانکه پیش از این، در دوره ششم مجلس شورای اسلامی تقاضای تحقیق و تفحص از سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۲۳ در کمیسیون فرهنگی مطرح شد و گزارش آن در تاریخ ۱۳۸۲/۰۲/۰۲ به تصویب رسید و متعاقب آن گزارش مبحث‌عنه در تاریخ ۱۳۸۲/۰۲/۱۷ در صحن علنی مجلس شورای اسلامی

قرائت گردید. نکته قابل توجه اینکه در جریان رسیدگی به درخواست تحقیق و تفحص از رسانه ملی، مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۸۰/۰۳/۲۸ در پاسخ‌نامه رئیس محترم مجلس شورای اسلامی فرمودند: «تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از دستگاه‌های گوناگون کشور یکی از سازکارهای مناسب برای حفظ سلامت این دستگاه‌ها است. یقیناً وجود این اصل در قانون اساسی از جمله نقاط قوت این قانون متین و جامع‌الاطراف است، به نظر اینجانب برخورداری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران از برکات این اصل به نفع کشور و به نفع خود آن سازمان است...». همچنین معظم‌له در پاسخ به نامه دیگری در این خصوص طی نامه شماره ۱/۳۱۶۰ مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۷ فرمودند:

«یقیناً تحقیق و تفحص مجلس از صداوسیما مانند دستگاه‌های دیگر کاری مفید است و اکنون پس از تصویب مجلس دارای الزام قانونی است...».

بحث و نتیجه‌گیری

باتوجه‌به جایگاه ویژه سازمان صداوسیما در نظام حقوقی و سیاسی ایران و با عنایت به مراتب یاد شده، سازکارهای نظارتی با امعان نظر ویژه‌ای بر سازمان صداوسیما اعمال می‌شوند.

صداوسیما نیز مانند اکثر دستگاه‌ها و نهادهای سیاسی کشور تحت نظارت تقنینی مجلس قرار دارد؛ اما این نظارت بدون محدودیت نیست و تا زمانی که با حدود وظایف و اختیارات مقام معظم رهبری در اصل یکصدو هفتادوپنجم قانون اساسی و نیز نظریه تفسیری آن تعارض پیدا نکند، قابل اعمال است.

برخی سازکارهای نظارتی مجلس بر سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، کاملاً منطبق بر قانون (شورای نظارت بر سازمان صداوسیما و دیوان محاسبات کشور)، برخی مشروط به اذن مقام معظم رهبری (تحقیق و تفحص) و برخی دیگر، برخلاف قوانین جاری کشور (کمیسیون اصل نود قانون اساسی) به نظر می‌رسند.

می‌توان گفت اصلی‌ترین سازکار نظارت غیرتقنینی مجلس بر فعالیت‌های صداوسیما از طریق شورای نظارت بر سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران اعمال می‌شود. جایگاه و حدود صلاحیت‌های این شورا در اصلاحات سال ۱۳۶۸ قانون اساسی و نیز قانون نحوه اجرای اصل ۱۷۵ قانون اساسی در بخش نظارت مصوب ۱۳۷۰/۰۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام تبیین شده است.

از مهم‌ترین ویژگی‌های این نهاد، ترکیب آن است که منجر به جلوگیری از اعمال فشار از طریق هر یک از قوا به سازمان صداوسیما و نقض استقلال آن می‌شود. نحوه نظارت شورای نظارت استطلاعی است و نتیجه این اعمال نظارت مطابق بند (۷) ماده (۳) قانون نحوه اجرای اصل ۱۷۵ قانون اساسی، صرفاً به ارائه گزارش منظم و مستمر از جریان امور در سازمان به مقام معظم رهبری و قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران منتج می‌شود و از این رو، صرفاً دارای جنبه ارشادی است که می‌تواند به تنویر اذهان عمومی نسبت به سازمان صداوسیما و نحوه عملکرد آن کمک کند.

دیوان محاسبات کشور نیز بر نحوه هزینه‌کرد اعتبارات در سازمان صداوسیما نظارت دارد و در صورت نقض قوانین، موضوعات را بررسی و رسیدگی می‌کند؛ هرچند در مواردی نظیر تخلف مربوط به افزایش حقوق کارکنان از سوی مدیران وقت رسانه ملی که هزینه‌ای معادل ۳۰۰ میلیارد تومان را در سال ۹۳ تحمیل کرده بود، برای مدیران و مسئولان صداوسیما صرفاً رأی به تذکر بدون درج در پرونده صادر کرد؛ صدور چنین مجازات خفیفی ریشه در جایگاه سیاسی صداوسیما دارد. سازکار نظارتی دیگر مجلس، تحقیق و تفحص است که در صورت موافقت مقام معظم رهبری می‌تواند اعمال شود. این نظارت به تنهایی اثرگذاری چندانی ندارد؛ اما با توجه به تبصره (۵) ماده (۲۱۲) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، گزارش نهایی تحقیق و تفحص علاوه بر صحن، به کمیسیون اصل نود قانون اساسی برای اقدام قانونی بعدی ارسال می‌شود.

پیشنهادها

- در صورت تشخیص لزوم بازنگری در قانون اساسی، ترکیب شورای نظارت بر سازمان صداوسیما به نحوی تغییر کند که فارغ از نمایندگان حاکمیت، امکان عضویت شخص یا اشخاصی به نمایندگی از طرف مردم به‌عنوان اصلی‌ترین مخاطب رسانه ملی فراهم آید.
- به‌منظور تضمین حقوق افراد در مقابل فعالیت‌های سازمان صداوسیما، پیشنهاد می‌شود تارنمای شورای نظارت بر سازمان صداوسیما، بار دیگر طراحی و زیرساخت‌های لازم برای احراز هویت و ثبت شکایت در آن پیش‌بینی شود؛ به‌نحوی که اشخاص بتوانند ضمن ثبت شکایت، جوابیه خود را نیز برای پخش در برنامه‌های سازمان صداوسیما بارگذاری کنند.

• در صورت اصلاح قوانین عادی حاکم بر سازمان صداوسیما از جمله قانون اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۲، با توجه به گذشت زمان معتدبه از تصویب قانون نحوه اجرای اصل ۱۷۵ قانون اساسی در بخش نظارت، شایسته است محتوای آن با توجه به اثربخشی کم، بازنگری و موارد زیر در آن منعکس شود:

الف) امکان ارسال موارد نقض قانون به صورت رسمی از شورای نظارت به قوه قضاییه

ب) پیش‌بینی امکان انتشار عمومی گزارش‌های شورای نظارت به صورت ادواری

ج) با توجه به ابهامات موجود نسبت به استصوابی یا استطلاعی بودن شورای نظارت، نسبت به آن رفع ابهام شود.

• با توجه به اهمیت مسائل مالی در استانداردهای سلامت اداری و نیز به منظور حفظ بازدارندگی و اثرگذاری مجازات‌ها، پیشنهاد می‌شود کیفیت مجازات‌های قابل اعمال از سوی دیوان محاسبات کشور با هدف تشدید آنها مورد بازنگری قرار گیرد.

محدودیت پژوهش

تا زمان نگارش این پژوهش، کار علمی مشابهی که با تمرکز بر ابزارهای نظارتی مجلس شورای اسلامی، نظارت‌پذیری رادیو و تلویزیون را از طریق قوه مقننه بررسی کرده باشد، یافت نشد و همین امر نگارندگان را در جمع‌آوری مطالب با چالش روبه‌رو کرد.

منابع

الف) قوانین

- قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، مصوب ۱۳۹۶/۰۱/۱۶
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ و اصلاحات بعدی
- قانون اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۲/۰۷/۲۷ و الحاقات بعدی
- قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی
- قانون تشکیل رادیو و تلویزیون ملی ایران مصوب ۱۳۵۰/۰۳/۲۹

- قانون دیوان محاسبات کشور مصوب ۱۳۶۱/۱۱/۱۱ و اصلاحات بعدی
- قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۰۶/۰۱ و اصلاحات بعدی
- قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۰۷/۱۸ و اصلاحات بعدی
- قانون نحوه اجرای اصل ۱۷۵ در بخش نظارت مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۳۷۰/۰۷/۱۱
- نظریه تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۹۷۹ مورخ ۱۳۷۹/۰۷/۱۰ شورای نگهبان در خصوص اصول ۴۴ و ۱۷۵
- نظریه تفسیری شماره ۳۳۴۴ مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۰۷ شورای نگهبان در خصوص اصل ۷۶

ب) کتب

- بهنیا، مسیح و فریده، محمدعلی پور. (۱۳۸۵). تأملی در ماهیت، حدود و وظایف و اختیارات شورای نظارت بر سازمان صداوسیما. **مجلس و پژوهش**، ۱۳(۵۱)، ۱۱۹-۱۳۷.
- راسخ، محمد. (۱۳۹۰) **نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی**. چاپ دوم، تهران: دراک.
- عمیدزنجانی، عباسعلی و ابراهیم، موسی زاده. (۱۳۸۹). **نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری**. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- موسی زاده، ابراهیم. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی کمیسیون اصل نود و نهاد آنبود زمان (نهاد بازرسی و نظارت). **دیدگاه‌های حقوقی**، (۵۷)، ۱۸۰-۱۵۷.
- هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۸۶). **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**. جلد دوم، چاپ نوزدهم، تهران: میزان.